



این روزها تغییر در نقشه‌های جدید در دستور کار قرار گرفته است. نقشه گسترده نفوذ از طریق توافق، توافق از طریق مذاکره و مذاکره از طریق دستیابی به شیوه‌های نوینی از تسلط که به عنوان «قدرت هوشمند» در راس برنامه‌های هیات حاکمه ایالات متحده قرار گرفته است، با روی کار آمدن جناح غربگرا در ایران مسیر تندتری را طی کرد. مسیری که اوپاما آن را نتیجه ده‌ها سال

برنامه‌ریزی و تهدید نظامی اثربخش تلقی می‌کند.

فارغ از اینکه آیا جمهوری اسلامی ایران در فرآیند نقشه نفوذ، با آن همراهی خواهد کرد یا در برابر آن منفعل خواهد بود یا به مقابله با آن خواهد پرداخت، شرایط و زمینه‌هایی که طی سال‌های اخیر برای شکل‌گیری این

نفوذ و تسلط فراهم شده است، همه حکایت از هماهنگی‌های گسترده و سازماندهی جبهه

استکبار در این موضوع دارد.

دیگر قرار نیست با تحریک توتیتر و شبکه‌های ضدانقلاب و به پشتوانه یک دروغ کسی در خیابان تظاهرات کند، سطل زباله را به آتش بکشد یا شیشه‌های مغازه‌ای را پایین بیاورد. تئوری‌های انقلاب رنگی و مخملی هم در ایران کارساز نبوده است. اندیشکده‌های آمریکایی، نفوذ از طریق برجام را مسیر نهایی به انزوا کشاندن جمهوری اسلامی تلقی می‌کنند. این روزها اما در داخل ایران مساله محتوای توافق آنچنان منتقدان آن را مشغول کرده است که جز رهبری انقلاب، شخصیت‌های سیاسی و خواص و علما و اساتید درباره نفوذ، تذکر و هشدار نمی‌دهند.

«برابت لیئوکاک» در گزارشی در اندیشکده ویلسون می‌آورد: «هرچند این توافق وجهه معامله را دارد اما در بحث موضوع وسیع‌تری به نام تکامل اجتماعی ایران قرار می‌گیرد. اوپاما و رهبر عالی ایران، هر کدام نگاه خود به توافق را دارند. اواما، عملکردش در توافق را به لحاظ جنبه‌های مثبت معامله با ایران توجیه می‌کند و معتقد است این توافق موجب تقویت جناح میان‌رو داخ‌ل ایران شده و ایران را در مسیر اجتماعی مطلوب آمریکا قرار می‌دهد».

چندی پیش اندیشکده «امریکن اینترپرایز» در گزارشی تصریح کرد: «امروز ایالات متحده با هیچ تهدید وجودی روبه‌رو نیست. دیگر هیچ کشوری وجود ندارد که بتواند آسیب مرگباری به آمریکا وارد کند یا فعلانه برای تغییر اصول نظام سیاسی-اقتصادی آن تلاش کند. آمریکا تا حد زیادی، حداقل میان دولت‌ها، به جایگاه قدرت بزرگ جهان بازگشته است اما ایران یک استثناست.»

کلنل «لارنس ویکرسون» درباره مولفه‌های

اقتدار جمهوری اسلامی ایران و اهمیت آن

به‌عنوان یک استثنا معتقد است: «چه کشوری

باثبات‌ترین کشور در غرب آسیاست؟ ایران! چه

کشوری بیشترین یکپارچگی اجتماعی با دارد؟

ایران! چه کشوری بالاترین پتانسیل را برای آینده

دارد؟ ایران! نه اسرائیل نه افغانستان! نه عراق! نه

عربستان سعودی! ایران! پس اگر شما می‌خواهید

رابطه‌ای با کشوری داشته باشید که باقی خواهد

ماند، تاب خواهد آورد و در طول زمان بر قدرت و

منافع شما اضافه خواهد کرد، باید دوباره به تهران

نزدیک شوید، بدون توجه به اینکه چه حکومتی

ممکن است در آنجا روی کار باشد. چیزی که

دارد اتفاق می‌افتد این است که بعضی افراد، یعنی



آنهایی که واقعا دینامیک دنیا را می‌فهمند، و بی‌شک بعضی از آنها در کاخ سفید هم هستند… آنها دارند متوجه می‌شوند این ماجراها درباره «سلح هسته‌ای» نیست، درباره «قدرت هسته‌ای ایران» نیز نیست، بلکه در مورد قدرت است. درباره این است که چه کسی هژمونی را در خلیج‌فارس به دست خواهد آورد».

یکی

از برنامه‌های راهبردی که بدون استثنا توسط همه رؤسای جمهوری

ایالات متحده پیگیری شده است و برای آن تاکنون

میلیاردها دلار هزینه شده است، براندازی نظام جمهوری

اسلامی بوده است. باراک

اوپاما رئیس‌جمهوری فعلی آمریکا هم در همین راستا،

این روزها امیدوار است در

دوران پستاتوافق با ایجاد تغییرات ارزشی در ایران پروژه «تغییر بزرگ» را

در ایران عملی کند.

«شمال اینترست» درباره تغییر جهت ایران بعد از توافق می‌نویسد: حرکت جدی به سمت مذاکره دومحانبه آمریکا و ایران، اساساً به صورت بالقوه راهی برای پل زدن بر شکاف میان ۲ طرف بود. در اصل توافق هسته‌ای تلاشی برای تغییر جهت نظام ایران است.

«توماس فریدمن» ستون‌نویس نیویورک تایمز هم درباره این تغییر معتقد است: در شرایط امروز، توافق اخیر هسته‌ای بین ایران و آمریکا را باید یک تغییر بزرگ دانست. این توافق به تحريم‌های اقتصادی علیه ایران پایان خواهد داد و می‌تواند مانند یک توربو شارژ برای تغییر جهت نظام ایران باشد. او می‌گوید: «توماس فریدمن» ستون‌نویس نیویورک تایمز هم درباره این تغییر معتقد است: در شرایط امروز، توافق اخیر هسته‌ای بین ایران و آمریکا را باید یک تغییر بزرگ دانست. این توافق به تحريم‌های اقتصادی علیه ایران پایان خواهد داد و می‌تواند مانند یک توربو شارژ برای تغییر جهت نظام ایران باشد. او می‌گوید: «توماس فریدمن» ستون‌نویس نیویورک تایمز هم درباره این تغییر معتقد است: در شرایط امروز، توافق اخیر هسته‌ای بین ایران و آمریکا را باید یک تغییر بزرگ دانست. این توافق به تحريم‌های اقتصادی علیه ایران پایان خواهد داد و می‌تواند مانند یک توربو شارژ برای تغییر جهت نظام ایران باشد. او می‌گوید: «توماس فریدمن» ستون‌نویس نیویورک تایمز هم درباره این تغییر معتقد است: در شرایط امروز، توافق اخیر هسته‌ای بین ایران و آمریکا را باید یک تغییر بزرگ دانست. این توافق به تحريم‌های اقتصادی علیه ایران پایان خواهد داد و می‌تواند مانند یک توربو شارژ برای تغییر جهت نظام ایران باشد.

اقتصادی علیه ایران پایان خواهد داد و می‌تواند مانند یک توربو شارژ برای تغییر جهت نظام ایران باشد. او می‌گوید: «توماس فریدمن» ستون‌نویس نیویورک تایمز هم درباره این تغییر معتقد است: در شرایط امروز، توافق اخیر هسته‌ای بین ایران و آمریکا را باید یک تغییر بزرگ دانست. این توافق به تحريم‌های اقتصادی علیه ایران پایان خواهد داد و می‌تواند مانند یک توربو شارژ برای تغییر جهت نظام ایران باشد. او می‌گوید: «توماس فریدمن» ستون‌نویس نیویورک تایمز هم درباره این تغییر معتقد است: در شرایط امروز، توافق اخیر هسته‌ای بین ایران و آمریکا را باید یک تغییر بزرگ دانست. این توافق به تحريم‌های اقتصادی علیه ایران پایان خواهد داد و می‌تواند مانند یک توربو شارژ برای تغییر جهت نظام ایران باشد. او می‌گوید: «توماس فریدمن» ستون‌نویس نیویورک تایمز هم درباره این تغییر معتقد است: در شرایط امروز، توافق اخیر هسته‌ای بین ایران و آمریکا را باید یک تغییر بزرگ دانست. این توافق به تحريم‌های اقتصادی علیه ایران پایان خواهد داد و می‌تواند مانند یک توربو شارژ برای تغییر جهت نظام ایران باشد.

امروز برای نخستین بار وضعیتی ایجاد شده که به نظر می‌رسد واشنگتن و تهران به تعامل و بهبود روابط و کنار گذاشتن بعضی اختلافات‌شان تمایل پیدا کرده‌اند و دست‌کم مایلند به مذاکره بپردازند. این شرایط می‌تواند برای هر یک از طرفین مفید باشد… دلایل بسیاری درباره ایجاد فرصت‌های معدود برای مذاکره مستقیم میان ایالات متحده و ایران وجود دارد. هر زمانی که یکی از طرفین خواستار مذاکره بوده است طرف دیگر در این مورد ابراز تردید کرده یا عدم تمایل خود را نشان داده است. گمان می‌کنم بی‌اعتدای شدیدی درباره یکدیگر در هر دو طرف ایرانی و آمریکایی وجود دارد. واشنگتن به ایران به‌عنوان یک تهدید می‌نگرد اما در کل ایران را یک فرصت نیز می‌داند. به گمانم بسیار زود است که درباره مشارکت ایران و آمریکا صحبت کنیم، اگرچه امیدوارم روزی فراسد که به چنین شرایطی دست یابیم.»

چندی پیش اندیشکده «امریکن اینترپرایز» در گزارشی به قلم «متیو مک‌کینس» درباره هدف پستاتوافق «باراک اوپاما» رئیس‌جمهور آمریکا نوشت: «باراک اوپاما» امیدوار است توافق هسته‌ای با ایران به تغییر سیاست‌های تهران و

در نهایت تغییر ماهوی جمهوری اسلامی منجر شود. نویسنده گزارش «امریکن اینترپرایز» در بخش دیگری از گزارش خود ضمن اعلام این مطلب که ایرانی‌ها از مجموعه پروژه نفوذ، آگاهی دارند، می‌نویسد: رئیس‌جمهور اوپاما امیدوار است وارد کردن ایران به جامعه جهانی، دولت ایران را به تعدیل رفتار و تبدیل شدن به «قدرتی مسؤول»-بخوانید قدرتی که منافع استکباری آمریکا را تهدید نکند- در منطقه وادار کرد و نهایتاً ماهیت خود رژیم را هم دستخوش تغییر کند اما آیت‌الله خامنه‌ای و سران امنیتی و نظامی ایران کاملاً از این هدف آگاه هستند.

باراک اوپاما بعد از بنیانه لوزان درباره اهداف کلان ایالات متحده در دوران پستاتوافق حرف‌های مهمی زده بود. او در مصاحبه با توماس فریدمن، ستون‌نویس نیویورک‌تایمز با اشاره به پیشینه ذهنی تاریخی کاملاً منفی نخبگان و مردم ایران نسبت به آمریکا بویژه در موضوعاتی از قبیل «سرنگونی مصدق، حمایت از شاه خائن، حمایت از صدام در ۸ سال جنگ تحمیلی علیه ایران و…» رسماً تأکید می‌کند یکی از مشکلات او برای تعامل با ایران، «ذهنیت ایرانیان نسبت به سیاست‌های ایالات متحده» است.

اوپاما چندی پیش صریح‌ترین حرف‌هایش درباره «تغییر در ذهنیت ایرانیان» را در مصاحبه با ویسلیت خبری میک (MIC) و در پاسخ به سوالات چند نفر از ایران و سرزمین‌های اشغالی مطرح کرد.

«غزل حکمی» از ایران از اوپاما پرسید چرا با

تحريم‌های سنگین تا این حد به مردم ایران فشار



آورده و آیا راه دیگری برای رسیدگی به مشکل برنامۀ امنی ایران نیافت؟

اوپاما در پاسخ گفت: «متأسفانه راه بهتری برای انجام این کار نداشته‌یم. کاری که مجبور بودیم انجام دهیم این بود که تحريم‌های شدیدتری اعمال کنیم تا ایران انگیزه بیشتری برای آمدن پای میز مذاکره داشته باشد. جوان‌ها باید در ایران تغییر ایجاد کنند».

اوپاما در ادامه، بخش‌های دیگری از سناریوی «تغییر رژیم در ایران» را مطرح کرد: «باید تحولی، حتی تدریجی، در داخل ایران روی دهد تا به این نتیجه برسند که شعار مرگ بر آمریکا یا انکار هولوکاست در میان رهبران این کشور یا ردنند منتها با تاملی در گفتارهای پس از توافق حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، می‌توان به جدی بودن این مساله پی برد. ایشان در همه گفتارهای پستاتوافق، دشمنی همیشگی آمریکا و خوی استکباری این دولت جهانخوار و خیانت‌های آمریکا و همبیمانانش را یادآوری کرده‌اند. رهبر انقلاب مذاکره با آمریکا را ممنوع اعلام کردند چرا که به اعتقاد ایشان ضررهای فراوانی دارد و اصلاً منفعتی ندارد. این فرمایش رهبری که

اوپاما و راهبرد «تغییر بزرگ»

به جای انقلاب رنگی

■ محمدرضاگردلو

گزارشی اعلام کرد: مقامات دولت اوپاما و دیگر حامیان توافق هسته‌ای با ایران در تلاش برای کسب رأی تأیید کنگره در ماه آتی، خطاب به قانونگذاران آمریکایی گفتند اگر خواهان بمباران ایران هستید، از توافق هسته‌ای حمایت کنید. طی نشستی در کنگره آمریکا و با حضور تحلیلگران مؤثر، مقامات دولتی این مطلب را بیان کردند که بازرسی‌ها از تأسیسات هسته‌ای ایران براساس این توافق، جزئیات مهمی را آشکار خواهد کرد که اگر ایالات متحده تصمیم بگیرد به ایران حمله کند، می‌توانند برای هدف‌گیری بهتر به کار برده شوند. «آستین لانگ» استاد اندیشه‌کده امسور بین‌الملل و عمومی دانشگاه کلمبیا گفته بود: اگر می‌خواهید ایران را بمباران کنید، باید از این توافق بسیار هیجان‌زده شوید. هرچه درباره برنامه هسته‌ای ایران و زیرساخت‌هایی که مبنای این برنامه هستند بیشتر بدانید، بهتر می‌توانید آن را هدف بگیرید. در نتیجه شما تنها توان غنی‌سازی اورانیوم آنها را فلج نمی‌کنید بلکه توان ایران برای جایگزینی برنامه غنی‌سازی‌اش را هم از بین می‌برید. چیزی که آمریکا می‌خواهد به آن دست یابد شکستن ساختار سیاسی ایران است، جایی که نخبگان اقتصادی ایران با نفوذ زیاد خود در جامعه ایرانی علاقه‌ای به افزایش تنش‌ها با طرف غربی ندارند و بیشتر خواهان آن هستند که ایران به صورت بالقوه شریک هژمونی به رهبری غرب باشد. اگر حاکمیت سیاسی ایران به لطف فشارهای داخلی از جانب منافع سیاسی و تجاری در سطح منطقه و بین‌المللی کمتر حالت تخاصم داشته باشد، بیشتر به سود برنامه‌های آمریکا و البته برنامه‌های واشنگتن در عربستان، قطر، ترکیه و رژیم صهیونیستی است.

به نظر می‌رسد نشانه‌هایی از تغییر رویکرد برخی مسؤولان ایرانی در مواجهه با آمریکا، توانسته است آنان را به این نتیجه برساند که می‌توانند به پروژه «تغییر رژیم در ایران» با رویکرد جدید امیدوار باشند. پروژه‌ای که امروز برخلاف تبلیغات صورت گرفته با استقبال سیستم اطلاعاتی رژیم صهیونیستی نیز همراه شده است. چندی پیش روزنامه هآآلتص نوشت: کارشناسانی در بخش مربوط به ایران در دستگاه اطلاعات نظامی اسرائیل معتقدند توافق هسته‌ای که قدرت‌های بزرگ با ایران به آن دست یافتند، دارای نکات مثبت زیادی است. این کارشناسان معتقدند توافق به دست آمده با ایران دارای نکات مثبت زیادی است که باید به اطلاع افکار عمومی اسرائیل رسانده شود.

یکی از مقامات ارشد ارتش اسرائیل نیز چندی پیش در نشستی گفته بود: رویدادی چشمگیر در ایران در جریان است و تحولات ایران، تاریخی به نظر می‌رسد. تشکیلات دفاعی اسرائیل با استفاده از تجهیزات جاسوسی پیشرفته به دقت ایران را تحت نظر داشته‌اند و شرایط این کشور را با توجه به آشنایی نزدیک با پیشینه، شرایط و تاریخ آن تجزیه و تحلیل می‌کنند. هنوز کسی در ارتش اسرائیل، اطلاعات ارتش، موساد یا وزارت دفاع فعلاً به رقص در خیابان نخواهد پرداخت. آنچه از تهران دیده و شنیده می‌شود، موجب به وجود آمدن امید زیادی در میان مقامات دفاعی اسرائیل شده است.

از همه این گزارش‌ها و بازخوردهایی که از توافق صورت گرفته است، می‌توان نتیجه گرفت هیچ چیزی در سیاست کلان آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی تغییر نکرده است، بلکه روش و رویکرد متفاوتی برای دستیابی به همان خواسته‌های پیشین توست.

اوپاما در دوره اخیر اتخاذ شده است. به همین دلیل است که دلسوزان کشور بویژه رهبر حکیم انقلاب مکرر خطر نفوذ را هشدار داده‌اند. با تاملی در گفتارهای پس از توافق حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، می‌توان به جدی بودن این مساله پی برد. ایشان در همه گفتارهای

پستاتوافق، دشمنی همیشگی آمریکا و خوی استکباری این دولت جهانخوار و خیانت‌های آمریکا و همبیمانانش را یادآوری کرده‌اند. رهبر انقلاب مذاکره با آمریکا را ممنوع اعلام کردند چرا که به اعتقاد ایشان ضررهای فراوانی دارد و اصلاً منفعتی ندارد. این فرمایش رهبری که

به تجربه تاریخی نیز قابل اثبات است، بازتاب‌های فراوانی داشت. ایشان در دیداری که پیش از این با فرماندهان سپاه داشتند نیز با اشاره به دشمن‌شناسی سپاه پاسداران، فرمودند: یک بُعد دیگر از پاسداشت انقلاب و پاسداری انقلاب، شناخت دشمن است، دشمن را بشناسیم البته شماها دشمن را می‌شناسید. دشمن استکیار جهانی است که مظهر کاملش هم، آمریکاست و عواملش هم رژیم‌های مترجع و آدم‌های خودفروخته و آدم‌های ضعیف‌النفس و مانند اینها هستند، دشمن برای شما شناخته‌شده است.

رهبر معظم انقلاب در دیدار با اقصار مختلف مردم در روز ۱۸ شهریور سال جاری نیز با استفاده از صفت «فرعونیت» برای آمریکای زمان شاه خاطرات اظلام آمریکا را یادآور شدند و گفتند: امام بزرگوار فرمودند: آمریکا شیطان بزرگ است، این «شیطان بزرگ» خیلی حرف پر مغزی است. رئیس همه شیطان‌های عالم، ابلیس است اما ابلیس بنا به تصریح قرآن، تنها کاری که می‌تواند بکند این است که انسان‌ها را اغوا می‌کند، بیشتر از اغوا، کاری نمی‌تواند بکند. انسان‌ها را اغوا می‌کند، فریب می‌دهد، وسوسه می‌کند اما آمریکا، هم اغوا می‌کند، هم کشتار می‌کند، هم تحریم می‌کند، هم فریب می‌دهد، هم ریاکاری می‌کند، پرچم حقوق بشر را بلند می‌کند، ادعای طرفداری می‌کند هم در صورت بالقوه شریک هژمونی به رهبری غرب باشد. اگر حاکمیت سیاسی ایران به لطف فشارهای داخلی از جانب منافع سیاسی و تجاری در سطح منطقه و بین‌المللی کمتر حالت تخاصم داشته باشد، بیشتر به سود برنامه‌های آمریکا و البته برنامه‌های واشنگتن در عربستان، قطر، ترکیه و رژیم صهیونیستی است.

به نظر می‌رسد نشانه‌هایی از تغییر رویکرد برخی مسؤولان ایرانی در مواجهه با آمریکا، توانسته است آنان را به این نتیجه برساند که

می‌توانند به پروژه «تغییر رژیم در ایران» با رویکرد جدید امیدوار باشند. پروژه‌ای که امروز برخلاف تبلیغات صورت گرفته با استقبال سیستم اطلاعاتی رژیم صهیونیستی نیز همراه شده است. چندی پیش روزنامه هآآلتص نوشت: کارشناسانی در بخش مربوط به ایران در دستگاه اطلاعات نظامی اسرائیل معتقدند توافق هسته‌ای که قدرت‌های بزرگ با ایران به آن دست یافتند، دارای نکات مثبت زیادی است. این کارشناسان معتقدند توافق به دست آمده با ایران دارای نکات مثبت زیادی است که باید به اطلاع افکار عمومی اسرائیل رسانده شود.

یکی از مقامات ارشد ارتش اسرائیل نیز چندی پیش در نشستی گفته بود: رویدادی چشمگیر در ایران در جریان است و تحولات ایران، تاریخی به نظر می‌رسد. تشکیلات دفاعی اسرائیل با استفاده از تجهیزات جاسوسی پیشرفته به دقت ایران را تحت نظر داشته‌اند و شرایط این کشور را با توجه به آشنایی نزدیک با پیشینه، شرایط و تاریخ آن تجزیه و تحلیل می‌کنند. هنوز کسی در ارتش اسرائیل، اطلاعات ارتش، موساد یا وزارت دفاع فعلاً به رقص در خیابان نخواهد پرداخت. آنچه از تهران دیده و شنیده می‌شود، موجب به وجود آمدن امید زیادی در میان مقامات دفاعی اسرائیل شده است.

از همه این گزارش‌ها و بازخوردهایی که از توافق صورت گرفته است، می‌توان نتیجه گرفت هیچ چیزی در سیاست کلان آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی تغییر نکرده است، بلکه روش و رویکرد متفاوتی برای دستیابی به همان خواسته‌های پیشین توست.

اوپاما: باید تحولی، حتی تدریجی، در داخل ایران روی دهد تا به این نتیجه برسند که شعار مرگ بر آمریکا یا انکار هولوکاست در میان رهبران این کشور یا ردنند منتها با تاملی در گفتارهای پس از توافق حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، می‌توان به جدی بودن این مساله پی برد. ایشان در همه گفتارهای پستاتوافق، دشمنی همیشگی آمریکا و خوی استکباری این دولت جهانخوار و خیانت‌های آمریکا و همبیمانانش را یادآوری کرده‌اند. رهبر انقلاب مذاکره با آمریکا را ممنوع اعلام کردند چرا که به اعتقاد ایشان ضررهای فراوانی دارد و اصلاً منفعتی ندارد. این فرمایش رهبری که

اوپاما و راهبرد «تغییر بزرگ»

اشاره

تلاش تقی‌زاده برای

«لاتین‌سازی الفبای فارسی»

والاس تریت، کاردار موقت آمریکا در تهران در گزارش مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۲۸ خود می‌نویسد: «به نظر می‌رسد ممدوح شوکت‌بیگ سفیر کبیر ترکیه در تهران و آقای تیمورتاش وزیر دربار ایران درباره استفاده از الفبای لاتین در کشورهای‌شان، بسیار صحبت کرده‌اند. سفیر کبیر که طبیعتاً از اجرای این ایده در کشورش بسیار هیجان‌زده بود، بی‌نیاهت تلاش کرد تا نظر تیمورتاش را به این مساله جلب کند که تغییر فوق برای ایران نیز ممکن و مطلوب خواهد بود. او گزارش می‌دهد که وزیر دربار کم و بیش تحت تأثیر قرار گرفت ولی احساس می‌کرد برای برطرف کردن نیاز به برخی علائم و- تعدادی از حروف روسی نیز باید وارد این الفبا شود؛ همانند کاری که ترک‌ها انجام داده‌اند.» در ۹ دسامبر ۱۹۲۸ تریت می‌افزاید: «سفارت با عاقه بسیار موضوع تغییر الفبا و جایگزینی حروف لاتین را در ایران پیگیری می‌کند. اخیراً روزنامه‌ها به امکان تکرار تجربه ترکیه در ایران اشاره کردند اما هنوز کسی این مساله را با درک چندان بالا و دلگرم‌کننده بررسی نکرده است. با این وجود، سفیر کبیر ترکیه به من خبر داده است که وزیر دربار با قاطعیت اعلام کرد که بزودی در ایران نیز حروف لاتین به کار خواهد رفت. آقای تیمورتاش در گفت‌وگوی کوتاهی که با هم داشته‌یم، مدعی شد استفاده از حروف لاتین در ایران فقط زمان می‌خواهد ولی به هر حال، سیستم الفبایی ترکیه با قدری تغییرات در ایران استفاده خواهد شد.» دیوید ویلیامسن، کاردار سفارت آمریکا نیز در گزارش ۱۴ مه ۱۹۲۹ خود این‌موضوع را دنبال می‌کند: «حتراماً به پیوست رونوشتی از یک یادداشت درباره جزوه آقای تقی‌زاده در حمایت از لاتین‌سازی الفبای ایران ارسال می‌گردد. با اینکه دولت ایران تاکنون هیچ اقدام قطعی در مدرن‌سازی نظام نوشتاری صورت نداده است ولی می‌توان حدس زد که این مرحله از غری‌سازی همواره مدنظر رهبران ترقی‌خواه ایرانی بوده است. پرورشور آقای تقی‌زاده ظاهراً گام اول برای آشناسازی افکار عمومی با این تغییر است.» توضیحات ابتدایی این یادداشت تحت عنوان «درباره لاتین‌سازی الفبای فارسی» توسط علوی پاشا صالح، مترجم سفارت آمریکا نوشته شده است.» در جزوه‌ای که قلم آقای تقی‌زاده، استاندار فعلی خراسان، که در آبان ۱۳۰۷ (اکتبر- نوامبر

۱۹۲۸) تحت عنوان «مقدمه آموزش عمومی یا فصل آغازین تمدن»، توسط تکلیخ‌تخته‌تهران منتشر شد، آقای تقی‌زاده همان ایده‌ای را مطرح می‌سازد که چند سال پیش در نشریه کلاه در برلین درباره لزوم پذیرش کامل و بدون قید و شرط تمدن غرب توسط ایرانی‌ها منتشر شده بود. او هیچ استنادی نداد که همچنان برخی سنن واقعاً ملی بی‌ضرر حفظ شود، مثلاً جشن نوروز یا سپهری کردن روزهای تابستان در زیرزمین‌ها- و صبح کردن شب‌های آن روی پشت‌بام‌ها بنا بر اقتضائات اقلیمی کشور.
س با این حال او روش ژاپنی‌ها را برای پذیرش و هضم موارد اساسی تمدن مدرن که در این حال سنت‌های تاریخی ملی‌شان را نیز حفظ می‌کنند، بر ترک‌ها ترجیح می‌دهد. آقای حروفی برای نشان دادن حروف صدادار می‌داند- او پیشنهاد می‌کند شکلی اصلاح شده و کامل از الفبای لاتین که شامل ۴۰ حرف باشد انتخاب شود. ۳۱ حرف اصلی که نشانگر اصوات طبیعی فارسی شده و در ۴ سال اول ابتدایی تعلیم داده شود. ۹ حرف دیگر به منظور نشان دادن حروف بیگانه بویژه عربی، در سطوح بالاتر آموزش داده خواهد شد. به منظور جلوگیری از خطر رکود تحصیلی که در نتیجه پذیرش فوری و بی‌مقدمه الفبای لاتین به وجود خواهد آمد، او روند تکمول تدریجی ولی بویسته‌ای را پیشنهاد می‌کند که حداقل ۲۰ سال زمان می‌طلبد. آقای تقی‌زاده همچنین پیشنهاد کرده است که برخی کلمات بیگانه را که در دایره واژگان فارسی یافت نمی‌شود نیز وارد این مجموعه کنیم.» آقای تقی‌زاده در پایان جزوه‌اش مقامات را از تقلید بیجا از شیوه عجولانه ترک‌ها در استفاده از حروف لاتین نهی کرده است.» با فرارسیدن تابستان ۱۹۲۹ طرح‌های تغییر الفبا به طور کامل کنار گذاشته شد. ویلیامسن در نهاد مسؤؤل انجام این کار با آن مواجه خواهد شد بنا به نوشته دکتر کریستنسن، معاتب چنین کاری بیشتر ماهیت فرهنگی دارد؛ دین و فرهنگ سنتی ایران عنصری ذاتی در ادبیات این کشور است که الفبای عربی نوشته شده است تغییر الفبا سنت مذکور را نابود خواهد کرد. سفارت تاکنون متوجه هیچگونه حرکتی برای لاتین‌سازی الفبای فارسی نشده است با این حال، کلا بیاداست که برنامه اصلاحات رژیم فعلی شامل مدرن‌سازی زبان نیز هست و گمان می‌رود که در نهایت حروف عربی کنار گذاشته شود.»

منبع:دکتر محمدقلی مجد،از قاجار به پهلوی موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی